

ملک می توپ می برد و لغت را از آنکس بود و در می نمود از نعم  
سجده بر سر او و عیبت کرد و طعام را از کوششها می برد  
خورد و الا می کند پشت او را و بود که حافظ می کرد و خود را او که می  
داد همان خود را و تو بسبب از طبع و می کرد از ایشان از جهت شرف  
و می کند پشت بر ذات مباحک او و وقت بغیر از عمل خدای غرض را  
و بغیر عمل با آنچه برید بود با آن سه بر کانیات و خیار داشت بود  
در امرین مکر که جنیت میار می کرد آسان تر آن مکر بود در آن آسان قبیحه  
رحم پس در بنوق بود الجالس از آن بود که چون می داد و فعال  
خود را آنچه در تعریف می کرد و عباد خود را و سوار می شد بسبب آن و فعال  
و حمید و سوار می کرد پس خود غلام و غیر از او می مالید پیشانی بسبب  
خود را بطرف آستین خود یا بطرف روی خود بود و حضرت صلی  
علیه و آله و سلم که دوست می داشت قال را و مکره می شد شطره را  
چنانچه عبادت و عقیده کفار بود که با بر می ماندند از اعمال با و از ربه  
و تراج جانب می ماند عبادت که در شمشیر و چون می آمد آن  
کانیات را آنچه دوست می داشت می فرمود و کعبه در العالمین

بدرستی آمد

و چون می آمد نزد وی آنچه مکره می شد می فرمود که بر علی کل  
بود اگر نشنست او را و عقبه و از میکرو در حق را چون از میکرو  
خاز را و کوه تا می کرد خطبه را و استغفاری نمود در یک مجلس صد مرتبه  
و شش نوبه می شد مصدر بر نور او را چشش آواز همچو آواز دیک  
کریه و بود که روزه می شد در شنبه و حجت شنبه و سه روز از شنبه  
و روز عاشوره را کرم تری بود که فطرا می کرد و روزه را و اگر روزها  
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در شعبان بود و بود که می خوابید میان  
در عرفان آن فصل الخلقاقت می خوابید دل همچو کل از جهت انظار  
و می داد و غرض عمل تمام عنیایی و لا ینام قلبی و چون می خواب  
در میزد به استکی و آواز سخت بر می آورد چنانچه بعضی مردم می کنند  
و چون می دید در خواب امر مکره را می گفت بموانع لا شریک  
و چون می گفت خوابگاه خود را می گفت رب تعالی عبدک یوم  
بعثت عبداک و چون بر می نشست از خواب قال الله تبارک و تعالی  
احیاناً بعد ما اتانا و الیه النشور و بود آنحضرت علیه السلام که می خورد و می  
خورد هر روز را و مکافات و بد می داد بر آن و سخت نمی کردست طعام

روز و شب در آن وقت  
روز و شب در آن وقت